

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نقش عدالت اجتماعی در تحقق تمدن نوین اسلامی

مآئده ترک^۱

^۱ سطح دو، مدرسه علمیه حضرت آمنه(س)

چکیده:

مقاله حاضر به نقش عدالت اجتماعی در تحقق تمدن نوین اسلامی می پردازد. تمدن، محصول دانش و تعالی فرهنگی است و جامعه ای که نظم اجتماعی را پذیرا شود و در یک زندگی جمعی، با بهره گیری از علم، به رشد، تعالی و کسب فضائل انسانی بیانديشد، جامعه ای متمدن خواهد بود.

تحقق عدالت اجتماعی، نقطه ی عطفی برای ایجاد تمدن نوین اسلامی می باشد و با دگرگون شدن معادلات حاکم بر زندگی جمعی، فضای مناسبی برای تمدن سازی اسلامی فراهم می شود. تمدن نوین اسلامی، موضوعی است که توسط رهبر معظم انقلاب اسلامی مطرح و به عنوان غایت انقلاب اسلامی ایران، معرفی شد. و رهبر یکی از راه های اصلی رسیدن به چنین تمدنی را عدالت اجتماعی بیان کردند. نوشتار حاضر، پس از معرفی جایگاه عدالت اجتماعی در اسلام، به شیوه ی تحقق آن در جامعه می پردازد و مصادیقی از آن را نشان می دهد. نوع تحقیق حاضر توصیفی-تحلیلی است و روش گرد آوری اطلاعات کتابخانه ای و اسنادی است.

کلید واژه: اسلام، تمدن نوین اسلامی، عدالت، عدالت اجتماعی

مقدمه:

ایمان عمیق قلبی و عملی به اصل عدالت و گام سپردن در شاهراه دادگری درمیدان های گوناگون زندگی، از اساسی ترین علل رشد و تکامل جوامع پیدایش و شکوفایی تمدن ها است. اسلام اگرچه در ذات خود قابلیت تمدن سازی دارد، اما خود تمدن نمی سازد، بلکه این انسان ها هستند که با کمک دستورات اسلام تمدن می سازند. بنابراین اگر بخواهیم به تمدن نوین اسلامی دست پیدا کنیم، باید بدانیم یک مولفه ی آن عدالت است. عدالت از پرجاذبه ترین مفاهیم برای بشر بوده و در طول تاریخ، در کانون توجه متفکران قرار داشته است. اهمیت عدالت به حدی است که مقام معظم رهبری یکی از مهم ترین مولفه های تشکیل حکومت اسلامی را، عدالت و بخصوص عدالت اجتماعی بیان کرده است. به همین دلیل اسلام، موضوع حیاتی عدالت و دادگری را طرح نموده و برای تحقق همه جانبه و حقیقی آن در زندگی جوامع، تمدن ها و نظام ها، سخت می کوشد و در رابطه با ظلم و ستم، انحراف، استبداد سخت هشدار می دهد.

در حکومت اسلامی هیچ مصلحتی بالاتر از تحقق عدالت اجتماعی نیست و به هیچ بهانه ای نباید در حاشیه قرار گرفته و دیگر برنامه های اجتماعی بر آن مقدم شمرده شود. اسلام در صدد است که یک عدالت اجتماعی کامل را محقق سازد و در پی آن یک تمدن نوین اسلامی ایجاد کند. در این نوشتار برآنیم که بدانیم عدالت اجتماعی در اسلام چه اهمیتی دارد؟ تحقق چنین عدالتی از نظر اسلام از چه راه هایی امکان پذیر است؟ نقش عدالت اجتماعی در تمدن اسلامی چیست؟ این تمدن چه ویژگی هایی دارد؟

سابقه تاریخی موضوع (عدالت اجتماعی در اسلام) در واقع شاید از ابتدا تاریخ مطرح بوده ولی بصورت عمده و دقیق بعد از اسلام مخصوصا در روایات و یا بوسیله ی استناد به آیات قرآن تبیین شده اما موضوع (نقش عدالت اجتماعی در تحقق تمدن نوین اسلامی) بعد از انقلاب مطرح گشته است.

دقیقا یا لفظا موضوع تحقیق حاضر نبوده ولی موارد مشابه وجود دارد:

1_ عدالت اجتماعی در اسلام - چاپ اول - 1379 ش- چاپ تهران: چاپ خانه ی سوره سید هادی خسرو شاهی، مهدی علی گرامی

2- مفهوم و ماهیت عدالت اجتماعی با رویکرد اسلامی - سید رضا حسینی - 1390.

نسبت به موضوع، این دو مقاله خوب بودند ولی به مفهوم عدالت اجتماعی در اسلام بطور اجمالی پرداخته بودند.

در منابع مربوط به تاریخ اسلام مانند: «تاریخ طبری الکامل» «تاریخ ابن خلدون» و غیره، به طور پراکنده درباره دستاورد های تمدن اسلامی بحث شده است. در کتاب های پژوهشی مانند: «تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی» تألیف جان احمدی «فرهنگ و تمدن اسلامی» تألیف ولایتی و غیره مطالب فراوانی نوشته شده است. البته با توجه به مبحث عدالت اجتماعی، هم از کتب مربوطه مثل: «عدالت اجتماعی در اسلام» سید قطب «تاریخ تحولات اجتماعی» و غیره استفاده شده است ولی بر اساس مطالعات نظام مند تاکنون مقاله، پایان نامه و کتابی درباره ارتباط تمدن نوین اسلامی و نقش عدالت اجتماعی در چنین تمدنی تألیف نشده است. از این رو در پژوهش حاضر موضوع نقش عدالت اجتماعی در تحقق تمدن نوین اسلامی مورد توجه قرار گرفته است.

مفهوم شناسی

1-تعریف تمدن:

تمدن در لغت به معنای شهر نشینی، اسالیب شهر نشینی گزیدن و...آمده است که ناظر بر بیرون آمدن انسان از حالت وحشی گری و خارج شدن یک جامعه از مرحله ابتدایی است.^۲ برای مفهوم اصطلاحی تمدن، تعاریف بسیار به کار برده اند مانند: (مرحله یا نوعی خاص از فرهنگ که در عصر معینی موجودیت یافته و حاصل نبوغ اقلیت مبتکر و نوآور است.)، (نظمی اجتماعی که در نتیجه وجود آن، خلاقیت فرهنگی امکان پذیر می شود و جریان پیدا می کند).^۳ در بین اندیشمندان اسلامی، خواجه نصیر الدین طوسی و ابن خلدون، تمدن را حالت اجتماعی شدن انسان و علامه جعفری، تشکل هماهنگ انسان ها در حیات معقول با روابط عادلانه و اشتراک همه افراد و گروه های جامعه در پیشبرد اهداف مادی و معنوی انسان ها در همه ابعاد مثبت معنا کرده است که همین تعریف اخیر بهترین تعریف است .

2_تعریف تمدن اسلامی :

اسلام، دینی است که با توجه به جهان بینی برخاسته از متن قرآن و سیره نبوی و اولیای الهی، همه آنچه را که بشر برای تعالی خویش بدان نیازمند است در اختیارش می نهد. تمدن اسلامی، تمدنی که همه مولفه های آن بر محور دین اسلام می گردد . با توجه به همین پسوند پرمایه، دارای آغاز و انتها است.^۴ با پیدایش اسلام و انتشار سریع و گسترده آن در میان اقوام و ملل و جلب و جذب فرهنگ های گوناگون بشری ، بنای مستحکم و عظیمی از فرهنگ و تمدن انسان پایه گذاری شد که در ایجاد آن، ملل و نژاد های مختلفی سهیم بودند. منظور از تمدن اسلامی مجموعه افکار، عقاید، علوم، هنر ها و صنایع است که با الهام از آموزه های دینی توسط مسلمین پدید آمده است. با این نگرش، تمدن اسلامی را به طور کلی می توان این گونه تعریف کرد: (تمدن اسلامی با نگرش توحیدی، تمدنی است ایدئولوژی با مجموعه ای از ساخته ها و اندوخته های معنوی و مادی جامعه اسلامی، که انسان را به سوی کمال معنوی و مادی سوق می دهد.

² دهخدا، 1373:ذیل واژه ی (تمدن)، عمید، 1371:615

³ دورانت، 1365:5

⁴ جان احمدی، 1396:51

از این رو، تمدن اسلامی تمدن یک ملت یانژاد خاص نیست بلکه مقصود، تمدن ملت های اسلامی است که عرب ها، ایرانیان، ترک ها و دیگران را شامل می شود⁵ که به وسیله دین رسمی یعنی اسلام و زبان علمی و ادبی یعنی عربی با یکدیگر متحد شدند. این تمدن به درجه ای از عظمت و کمال و پهناوری است که آگاهی از همه جنبه های آن و احاطه بر همه انجای آن کاری بس دشوار است.

3-تعریف تمدن نوین اسلامی:

مقام معظم رهبری تعبیر جدیدی علاوه بر همین تمدن اسلامی، به عنوان تمدن نوین اسلامی دارند. ایشان درباره معنا و چیستی تمدن نوین اسلامی می فرمایند: تمدن نوین اسلامی به معنای پیشرفت همه جانبه می باشد، اگر ما به دنبال یک مصداق عینی و خارجی برای درک معنای تمدن نوین اسلامی باشیم میتوانیم بگوییم هدف ملت ایران و هدف انقلاب اسلامی، ایجاد یک تمدن نوین اسلامی می باشد.(بیانات رهبری در دیدار جوانان خراسان شمالی، 1391\7\23) از یک نگاه، تمدن اسلامی همان تمدن نوین اسلامی است؛ اما از نگاهی دیگر که ما تمدن نوین اسلامی را معنا کردیم، پیشرفت همه جانبه دویخش اصلی دارد: مقام معظم رهبری می فرمایند: ((یک بخش) بخش ابزاری است؛ یک بخش دیگر، بخش متی و اصلی و اساسی است. ان بخش ابزاری چیست؟ بخش ابزاری عبارت است از همین ارزش هایی که ما امروز به عنوان پیشرفت کشور مطرح می کنیم: علم، اختراع، صنعت، سیاست، اقتصاد، اقتدار سیاسی، و نظامی، اعتبار بیت المللی، تبلیغ و ابزار های تبلیغ اینها همه بخش ابزاری تمدن است.

(بخش دوم): اما بخش حقیقی، آن چیز هایی است که متن زندگی ما را تشکیل می دهد که همان سبک زندگی است که عرض کردیم. این، بخش حقیقی واصلی تمدن است مثل مساله خانواده، سبک ازدواج، نوع مسکن، نوع لباس و...؛ اینها آن بخش های اصلی تمدن است که متن زندگی انسان است.⁶ با توجه به معنای تمدن اسلامی) که خلاصه شد در مجموعه ای از همه آداب و رسوم، اعتقادات و باور ها، سنن، معارف، علوم اسلامی و ذخایر مشترک مادی و معنوی که در میان ملت های مسلمان وجود دارد. با تمدن نوین اسلامی (به معنای پیشرفت همه جانبه) همه آنچه که در تمدن اسلامی وجود دارد، در تمدن نوین اسلامی هم هست.

برای روشن تر شدن مفهوم این تمدن، می توان گفت: تمدن نوین اسلامی عبارت است از ظهور و بروز مادی ومعنوی، پیشرفت های هدفمند سیستماتیک ونوظهور امت اسلامی، با محوریت ایران، بر اساس تعالیم اسلامی

⁵ مجموعه مقالات اولین کنفرانس بین المللی فرهنگ و تمدن اسلامی، 191

⁶ همان

در تمامی عرصه های اجتماعی، که شکلی معنادار و منضبط به خود گرفته است. در این تعریف، واژه ظهور و بروز، ناظر بر اصل عینیت یافتگی است، مادی و معنوی ناظر به گسترده تمدن و دوجنبه ای بودن آن است. ما نه پیشرفت مادی تنها را مصداق تمدن تلقی می کنیم و نه پیشرفت معنوی تنها را مصداق تمدن تلقی می کنیم. هدفمند و سیستماتیک بودن پیشرفت ها ناظر بر وجود یک ابر نظریه والگویی مشخصی برای پیشرفت هاست. نوظهور بودن پیشرفت ها، مرز تمدن نوین به معنای برگشت به گذشته نیست بلکه به مفهوم استفاده از سرمایه های تمدنی پیشین برای رسیدن به یک تمدن امروزی است. امت اسلامی بر فراملی بودن این تمدن تاکید دارد، و ایران در این تعریف، به نقش کلیدی و محوری کشورمان، در شکل گیری تمدن نوین اسلامی اشاره دارد.

مفهوم عدالت:

برای عدالت و به ویژه عدالت اجتماعی، همانند بسیاری دیگر از مفاهیم حوزه علوم سیاسی- اجتماعی، به رغم کاربرد وسیع، تعریف واحدی ارائه نشده است. در عین حال تعریف این مفهوم در روشن شدن مباحثی که حول آن مطرح می شود کمک فراوانی خواهد کرد؛ از این رو برخی از معانی و تعاریفی را که برای آن مطرح شده می آوریم:

معنای لغوی عدالت:

فیروز آبادی در قاموس، واژه عدل را چنین معنا می کند: عدل ضد جود است. عدل شامل چیز هایی میشود که در نظر عرف و نفوس مردم مستقیم باشد. راستی و درستی در نفوس که اگر به شخص نسبت دهند یعنی او را ستودن. میزان عدل یعنی سنجش درست.⁷ معنای عدل در لغت در معانی متعددی مانند: مساوات و برابری، راستی و راست ایستادن، نظیر، همتا و معادل، میانه روی و رعایت حدوسط، دادگری و حکم به حق و انصاف، ضد جود استعمال شده است.⁸ تعریف امیر المومنین (علیه السلام) از عدالت: (العدل یضع الامور مواضعها والجور یخرجها من جهتها) عدالت هر چیزی را در جای خود می نهد در حالیکه بخشش آن را از جای خود خارج میکند.⁹ متفکران اسلامی چند تعریف از عدالت ارائه داده اند:

⁷ فیروز آبادی، قاموس المحيط، ج 4، ص 12

⁸ فراهیدی، 1409، ج 2، ص 38-40

⁹ نهج البلاغه، حکمت 437، ترجمه دشتی، ص 527

1- اعطا کل ذی حق حقه (هر صاحب حقی را به حق خود رساندن)¹⁰

2- توازن و هم سوئی یک مجموعه و یا مساوت و همسانی در پرداخت حقوق و مشمول قانون.¹¹

3- شهید مطهری در تعریف عدالت میگوید: (عدالت در مفهوم وسیعش، عبارت است از دادن حق صاحبان استحقاق بدون هیچ تبعیض میان آنها. اگر حق هیچ صاحب حقی ادا نشود، برخلاف عدالت است همچنان که اگر تبعیض شده و حق بعضی داده شود و حق بعضی دیگر داده نشود، باز برخلاف عدالت است.)

معنای عدالت اجتماعی:

عدالت اجتماعی نیز همانند خود عدالت، تعریف واحدی ندارد و ما به بخشی از آن اشاره می کنیم:

1- مفهوم عدالت اجتماعی این است که حقوق افراد رعایت شود و هر صاحب حقی به حق خود برسد و هر کس خودش که لایق و شایسته آن است برسد، نه ظلمی به او بشود و نه او به کسی ظلم کند.¹² عدالت اجتماعی یعنی قدر و منزلت هر کسی را شناختن و به گونه ای مناسب با او رفتار کردن. هر جامعه ای که بتواند زمینه مساعدی را برای تحقق محیط مسالمت آمیز و صمیمی به وجود آورد که مردم آن، به اهداف انسانی و تامین نیازهای زندگی، امنیت و بهداشت برسند و به حقوق از دست رفته خود، دست یابند و احترام آنها همراه با حسن رفتار و معاشرت با دیگران در پرتو قوانین پذیرفته شده آنها، تحقق یابد و در امنیت کامل، کسی به کسی ازار نرساند، عدالت اجتماعی به خوبی تفسیر و به کار گرفته شده است.¹³

عدالت اجتماعی عبارت است از احترام به حقوق دیگران و رعایت مصالح عمومی و یا شناخت حقوق طبیعی و قرار دادی که جامعه برای تمام افراد قائل است؛ مانند تقسیم کار و دادن مزد به کارگران، مطابق با کارایی آنان و تامین نیازهای اجتماعی ای که افراد برای حفظ بقای خود و تسهیل در پیشرفت کار خود و رسیدن به سعادت خود، حق دارند آنها را به دست آورند. عدالت اجتماعی به معنای رعایت تناسب، استحقاق و شایستگی ها در ساحت اجتماع است. در این تعریف هر گروه و صنف و طبقه ها، باید در جایگاه شایسته خویش جای گیرد و در پی جایگاه دیگران بر نیایند. عدالت اجتماعی مبتنی بر احوال و افعال اعضای جامعه است و مرتبه هر کس بنابر استحقاق و استعداد او تعیین می شود.

¹⁰ درامدی بر حقوق اسلامی، ص 201، دفتر همکاری حوزه و دانشگاه

¹¹ فیروز ابادی، قاموس اللغة، عدالت اجتماعی، ص 26

¹² محمد حسین طباطبایی، المیزان، ج 1، ص 570

¹³ موسوی، سید جمال الدین، عدالت اجتماعی در اسلام، ص 177-178

در مفهوم مارکسیستی عدالت اجتماعی برچهار ارزش مادر یعنی: مذهب، خانواده، دولت و مالکیت می تازد. خانواده را تضعیف می کند، مذهب را به محاق تعطیل یا به حوزه خصوصی می برد. دولت را در برابر شورا تحقیر، و مالکیت را منهدم می کند. اما در مفهوم عام (عدالت اجتماعی)، برای مثال فقهای شیعه، مفاهیمی چون مالکیت، خانواده و دولت را پاس داشته و مذهب را اساس حرکت های خود می دانند. در دیدگاه متفکران و فلاسفه اسلامی، عدالت اجتماعی عبارت است: (از ایجاد شرایط برای همه بطور یکسان، و رفع موانع برای همه بطور یکسان).^{۱۴} بر این پایه عدالت اجتماعی، برابری و مساوات همگان نیست، و جامعه به تعبیر استاد مطهری شبیه پیکر (نیست که اجزای آن اراده استقلالی نداشته باشند، بلکه عدالت اجتماعی رعایت استحقاق است نه اشتراک مطلق).^{۱۵}

اهمیت عدالت اجتماعی در اسلام:

با نگاهی کوتاه به آیات قران کریم و روایات نبوی و علوی (علیهم السلام) - و نیز سیره سیاسی - اجتماعی اولیای الهی، بویژه هنگامی که فرصت دخالت در امور اجتماعی پیدا میکردند. اهمیت و جایگاه رفیع عدالت اجتماعی در اسلام روشن می شود. در اندیشه های اجتماعی اسلام کمتر مقوله ای را می توان یافت که به اندازه عدالت و نفی و لزوم مبارزه باظلم مورد توجه و تاکید قرار گرفته باشد.

در برخی آیات، از تحقق عدالت اجتماعی، به عنوان یکی از اهداف ارسال انبیا الهی یاد شده است: (لقد ارسلنا بالبینات و انزلنا معهم الکتاب و المیزان ليقوم الناس بالقسط)^{۱۶} ما رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم، و با آنها کتاب آسمانی و میزان شناسایی حق از باطل و قوانین عادلانه نازل کردیم تا مردم قیام به عدالت کنند. آیه شریفه، با صراحت، مأموریت انبیا و رسالت آنان را برقراری عدل در میان بشر معرفی می کند و می فرماید: ما فرستادگان خود را با دلایل روشن فرستادیم و همراه آنها کتاب و دستور و نوشته فرستادیم با میزان؛ یعنی قوانین و مقررات عادلانه، برای آن که همه افراد بشر به عدالت رفتار کنند و اصل عدالت در میان بشر برقرار گردد؛ بنابراین مسئله برقراری عدالت آن هم با مقیاس بشریت هدف اصلی و عمومی همه انبیا بوده است.^{۱۷}

^{۱۴} مطهری، ۱۳۸۱،

^{۱۵} همان: ۱۴۰۳

^{۱۶} حدید: ۲۵

^{۱۷} مرتضی مطهری، سیری در سیره ائمه اطهار، ص ۲۲۰-۲۲۱

واز طرفی هم قرآن به کسانی که در مبادلات خود، عدالت را رعالت نمی کنند، هشدار میدهد (ویل للمطففین الذین اذا اکتالو علی الناس یستوفون و اذا کالوهم یخسرون)¹⁸ وای بر کم فروشان، آنان که چون از مردم، پیمانہ ستانند و یا چون برای آنان پیمانہ یا وزن کنند به ایشان کم دهند. مفسران این آیات را به این معنا که جامعہ باید طوری تربیت شود که خود مجری عدل و قسط باشد، هیچ نوع دوستی، نزدیکی، خویشاوندی و هر نو عامل دیگری نباید مانع آن شود، زیرا انحراف از مسیر عدالت، متابعت از های نفس و گمراهی است و این اصل قرآنی در سیره عملی رسول گرامی اسلام به وضوح دیده می شود؛ چنانچه امام باقر (علیه السلام) فرمودند: (رسول گرامی اسلام، رسم جاهلیت را از بین برد و در برخورد با مردم با عدالت آغاز نمود و برای زندگی مردم ارزش فوق العاده ای قائل شدند) عدالت اجتماعی، در محتوا و حقیقت جامعہ اسلامی جای دارد و یکی از ارکان اسلامی جامعہ، تحقق آن است و به تعبیر مقام معظم رهبری، بدون تأمین عدالت اجتماعی، جامعہ ی ما اسلامی نخواهد بود.

اگر کسی تصور کند که ممکن است دین الهی و واقعی - نه فقط دین اسلام - تحقق پیدا کند ولی در آن عدالت اجتماعی به معنای صحیح و وسیع آن تحقق پیدا نکند باید بداند، اشتباه کرده است؛ هدف پیامبران، اقامه قسط و عدل بوده است.¹⁹ هدف ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در آخر الزمان هم همین عدل است و در همه این روایات و دعاها مسأله آمدن امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) معلل به این شده که آن بزرگوار بیاید و در دنیا قسط و عدل بیاورد.²⁰

مقام معظم رهبری در رابطه با عدالت می فرمایند: (تکیه بر عدالت، اساسی ترین و محوری ترین اصل یک حرکت الهی است، ادامه کار همه انبیا و مصلحان بزرگ تاریخ است. البته عدالت دشمنانی دارد. همه انانی که نامشان در بی عدالتی است با عدالت دشمن اند. عدالت، شعار اصلی و هدف بزرگ انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی بوده است. با استفاده از همه شیوه های عالمانه و تدبیر می توان عدالت را در جامعہ مستقر کرد.) (مراسم تنفیذ حکم ریاست جمهوری دکتر محمود احمدی نژاد، 12\5\1384) بایجاد عدالت اجتماعی، آثاری در جامعہ محقق می شود که عبارت است از:

1- هم نشینی رسول خدا

¹⁸ مطففین : 1-3

¹⁹ حدیث ولایت، ج 1، ص 145

²⁰ همان، ج 3، ص 3

رسول خدا می فرمایند: (من اخذ للمظلوم من الظالم كان معي في الجنة مصاحبا) هر که حق مظلومی را از ظالمی بستاند همراه و مصاحب من در بهشت است.^{۲۱}

2- حفظ دین و مرز های مسلمانان

مولای متقیان علی(علیه السلام) فرموده است: (عن شرایع الدین و حط ثغور المسلمین و احرز دینک بالعمل بارعتیک) حفظ کن دین و مرز های مسلمین را به واسطه عمل به عدالت در مردم.^{۲۲}

3- ثبات دولت

امیر امومنین (علیه السلام) فرمود: (من عمل بالعدل حض الله ملکه)^{۲۳} ایشان در کلامی دیگر فرموده است: (ثبات الدول باقامه العدل)^{۲۴} دوام دولت به عدل است.

4- عدالت عامل کسب منزلت و ارزش اجتماعی (بدون تبلیغات)

حضرت امیر(علیه السلام) فرمودند: (من عدل عظم قدره)^{۲۵} هر که عدل پیشه کند قدرتش فزونی یابد. 5- شرکت مردم در همه امور مربوط به حاکمیت

امام علی (علیه السلام) فرمودند: (وتبجحک باستفاضه العدل فیهم متعهدا فضل قوتهم بما ذخرت عندهم من اجماعک)^{۲۶} تو از گسترش عدل در میان مردم خوشحال خواهی شد و به قوت و قدرت آنان تکیه خواهی کرد به جهت رعایت عدل.

6- شکست دشمن

²¹ مجلسی، 1403ه ق: ج 72 ص 359

²² امدی، 1375: ج 4

²³ همان، ج 5، ص 355

²⁴ همان، ج 3، ص 353

²⁵ همان، ج 5، ص 193

²⁶ نهج البلاغه، نامه 53

رسول خدا فرمودند: (من عم عدله نصر علی عدوه)^{۲۷} هر که عدالتش فراگیر گردد، بر دشمنانش چیره گردد.

7- پایداری مردمان

امیر امومنین (علیه السلام) فرمودند: (العدل قوام البریه)^{۲۸} عدل، مایه پایداری مردمان است.

8- پایداری نعمت ها

امام رضا (علیه السلام) فرمودند: استعمال موذن بدوام النعمه)^{۲۹} به کار بستن عدل و دادگری و نیکوکاری، عامل

پایداری نعمت ها است.

9- آرامش دل ها

حضرت فاطمه می فرمایند: (والعدل تنسیقا للقلوب)^{۳۰} عدالت، مایه هماهنگی دل ها میگردد.

راه تحقق عدالت اجتماعی

اسلام در تحقق عدالت اجتماعی بادو اصل بزرگ: 1_ وحدت همه جانبه متناسب و متعادل 2_ تکامل و تضامن عمومی بین افراد و اجتماعات پیش می رود. البته عناصر اساسی فطرت انسانی را نیز در نظر داشته و طاقت و نیروی بشری را از نظر دور نموده است. قرآن کریم درباره ی انسان می فرماید: «به یقین انسان سخت مال دوست است»^{۳۱} و درباره دوستی مال برای خود و بستگان خود و بخل فطری و طبیعی انسان می فرماید: «بخل به حضور نفسهای مردم خوانده شده است.»^{۳۲} پس بخل برای همیشه در نفوس حاضر است و در قرآن این فطرت بشری مطابق با اصول فنی و اعجاب اور ترسیم شده است: «بگو اگر شما مالک خزانه های رحمت خدای من بودید از ترس هزینه ها امساک می کردید و انسان بخیل است.»^{۳۳} این گفته قرآنی هنگامی است که بیان می کند رحمت

²⁷ مجلسی، 1400، ج: 72، ص: 359

²⁸ مجلسی، 1403، ج: 3، ص: 78

²⁹ صدوق، 1378، ج: 2، ص: 24

³⁰ حکیمی، 1370، ج: 6، ص: 405

³¹ وانه لحب الخیر لشدید عادیات : 8

³² واحضرت الانفس الشح نسا: 28

³³ اسرا: 100

خداوند وسعت داشته و به هر چیزی می رسد، پس با این وسعت رحمت و ان امساک، منتهای بخل را در فطرت بشر - اگر بدون تهذیب بماند - روشن می نماید.

اسلام همان گاه که نظام ها و حدود و مبانی و خطابات و نصیحت های خود را پایه گذاری می نماید از مسئله حب ذات که خود خواهی فطری بشری است غفلت نکرده و آن بخل فطری ریشه دار را نیز فراموش ننموده است؛ لیکن با نشان دادن راه صحیح و وضع قانون به علاج آن خود خواهی و این بخل پرداخته است. انسان را جز به قدر قدرتش تکلیف نمی کند و در همان وقت حوائج اجتماع و مصالح آن را از نظر دور نداشته هدف های عالی زندگی را نیز در باره فرد و اجتماع در تمام نسل ها و دوره ها منظور داشته است. و وقتی بنا شد که طغیان طمع و امیال فردی در برابر جامعه یک ظلم اجتماعی و مخالفت با عدل شمرده شود طغیان اجتماع بر فطرت و نیروی فرد نیز ستم است، نه فقط ستم درباره این فرد بلکه درباره خود اجتماع نیز هست و نتیجه و اثر بد سرکوب فعالیت یک فرد، تنها به محرومیت آن فرد منتهی نمی شود؛ بلکه اجتماع را نیز از بهره برداری از نیروی کامل خود محروم می سازد. وقتی قانون در نیرو و کوشش فرد، متکفل حقوق اجتماع شد و برای آزادی و خواسته های فرد هم حدودی وضع نمود که جلوی خود سری را بگیرد، سزاوار نیست که از حق فرد در آزادی فعالیتش در حدودی غفلت کند که نه به اجتماع و نه به خود فرد ضرر می رساند و نه با هدف های عالی زندگی اصطکاک دارد.

پس زندگی در نظر اسلام تعاون و همکاری و تکامل است نه جنگ و ستیز و عداوت. زندگی رها ساختن نیروهای فردی و اجتماعی است نه سرکوبی و محرومیت وزندان. اسلام با تحقق عدالت انسانی و مهیا نمودن شرایط و امکانات مساوی برای همه، تاثیر موقعیت پایین خانواده و ریشه، نژاد و دیگر قیودی را که مانع پیشرفت و کوشش فردی است به حداقل می رساند. اسلام افراط در ارزش های مالی را طرد می کند و هرگز نمی پذیرد که برای مال این همه ارزش قائل شوند و زندگی را در لقمه نانی و شهوت جسمی و مقداری پول مستهلک نمایند. در عین حال لازم می داند که هر فردی به قدر کفایت داشته باشد که در فساد تنگدستی واقع نشود و تنعم زیاده بر اندازه را که به طغیان بکشد، حرام می داند. اجتماع را طبقه بندی می کند و برای فقرا در اموال مردم حقوقی قرار می دهد که هم حاجت آنان را جواب گوید و هم اجتماع را طرف سعادت برساند و ضامن تعادل و همکاری و ترقی گردد. بدینگونه تمام جوانب حیات را لحاظ نموده و هیچ قسمت آن را چه ماده و چه روحی، دینی و دنیوی از نظر دور نداشته است؛ تا همه این جوانب مختلف ذوب شده به صورت یک وحدت بهم آمیخته در آید به طوری که نتوان ماده ای از مواد امتزاجی و قابل ترکیب آن را بی توجه گذارد تا وحدت آن با وحدت جهان بزرگ و زندگی انسان در یک رشته در آمده و با آن متحد گردد.

اجمالاً دیدیم که اسلام درباره جهان و زندگی و انسان طرز فکری اساسی دارد و راه تحقق عدالت اجتماعی را برگرفته از جهان آفرینش می‌داند، مطابق این دیدگاه در نظام آفرینش هر پدیده‌ای در جای خود قرار گرفته است و متناسب با وضع خود، وظیفه خویش را انجام می‌دهد. این سازگاری، هماهنگی و تناسب کامل، بیانگر عدل آفرینش است و انسان نیز این حالت را از امور تکوینی انتزاع می‌کند. از این رو، در اجتماع نیز اگر هر کس به وظیفه خاص خود به صورت مناسب عمل کند، آن وضع عادلانه است.

از این رو شریعت اسلامی در درجه نخست و سخنان پیامبر اکرم و ائمه معصوم (علیهم السلام) در درجه بعدی، منابعی است که برای رسیدن به این منظور باید به آنها توجه شود. برخی علما معتقدند اگر ائمه معصوم عدل را در قالب مصادیق نشان ندهند نمی‌توان در میان مصداق‌های بی‌شمار، عدل را شناخت. حال پرسش اینجاست آن عدالتی که در آیات و روایات به آن دستور داده شده است (معنای تشریحی)، چیست؟ در پاسخ باید گفت با توجه به آنچه اندیشمندان و بزرگان بیان کردند می‌توان به سفارش آیات و روایت درباره عدالت اجتماعی پی برد، این عدالت، عدالت پویا و سازنده است که برای تحقق جامعه آرمانی جهت نیل انسان به کمال می‌کوشد خداوند با تعبیری استوار به انسان دستور می‌دهد: (یا ایها الذین امنوا کونوا قوامین بالقسط شهدا)³⁴ ای مومنان برپادارندگان عدل و گواهی‌دهندگان برای خدا باشید. این عدل که شریعت و دین به آن سفارش می‌کند، بسیار سخت و دشوار است. از این رو تعبیر قرآن، (قوام) است نه (قائم) که این نشانه دشواری و سنگینی عدل است. بنابراین، انسان باید به تجربه، عدل را برپادارد تا از پس آزمون‌های سخت، از قائمیت به قوامیت برسد.³⁵

شهید مطهری در تبیین این عدالت می‌گوید: (فرق بین عادل و عدالت خواه یکی شخصاً آدم عادل است و یکی عدالت خواه است، عدالت فکر اجتماعی اوست، (مثل) اینکه یکی صالح است و دیگری اصلاح طلب. در آیه کریمه قرآن می‌فرماید: (کوموا قوامین بالقسط) قیام به قسط یعنی اقامه و به پاداشتن عدل و این غیر از عادل بودن از جنبه شخصی است.³⁶

نقش عدالت اجتماعی در تمدن نوین اسلامی

یک مقایسه اجمالی با وضعیت حاکم بر رژیم گذشته این واقعیت را آشکار می‌کند که جامعه در راه رسیدن به آرمان عدالت اجتماعی، به موفقیت‌های چشم‌گیری نائل شده، در عین حال همه واقف‌اند که هنوز جمهوری

³⁴ انعام: 152

³⁵ جواد املی، 1377: ص 208

³⁶ مطهری، 1377: ص 8

اسلامی تا تحقق کامل عدالت در عرصه های مختلف اجتماعی- سیاسی، اقتصادی و قضایی راه درازی درپیش دارد. هر چند آزادی های اجتماعی و سیاسی، نظم و امنیت، رشد و توسعه هر کدام یک ارزش اند و فقدان هر کدام جامعه را با دشواریهایی روبرو می کند؛ اما آنچه از سیره پیشوایان دینی به ویژه امیر المومنین علی(علیه السلام) برمی آید آن است که عدالت درصدر جدول ارزشها جای دارد و هیچ ارزش دیگری به پای اهمیت عدالت نمی رسد. جمهوری اسلامی برای برقراری عدالت اجتماعی نیازمند کسانی است که در عرصه برنامه ریزی و اجرا تابان دندان معتقد باشند که نظام حاکم بر جامعه اسلامی، با نظام حاکم بر جوامع سرمایه داری تفاوت اساسی دارد. درواقع عدالت از دیدگاه امام علی (علیه السلام) تنها راه اصلاح جامعه و گنجینه فضیلت و احسان است امام علی (علیه السلام) بعنوان مظهر عدالت و تقوا در دوران املمت خود اسرار گرانبهای حکومت داری بر مبنای مردم و عدالت بجای نهاده است که عمل به آن درهر عصر و حکومتی پایه سعادت حاکمان و مردم خواهد بود.

در حکومت اسلامی، هیچ مصلحتی بالاتر از تحقق عدالت اجتماعی نیست و به هیچ بهانه ای نباید در حاشیه قرار گرفته و دیگر برنامه های اجتماعی بر آن مقدم شمرده شود. اسلام در صدد است که یک عدالت اجتماعی کامل را محقق سازد و همتی بالاتر از این دارد که فکر یک حکومت نیست بلکه در تلاش است تا یک تمدن نوین اسلامی را ایجاد کند. مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه ای (مدظله العالی) رسیدن به تمدن نوین اسلامی را در 5 مرحله ترسیم نموده اند. مرحله اول آن انقلاب است که در بیست و دوم بهمن ماه 1357 انقلاب اسلامی ایران به پیروزی رسید. مرحله دوم تشکیل یک نظام اسلامی است، که ملت ایران در سیزده فروردین سال 1358 به نظام جمهوری اسلامی آری گفتند. مرحله سوم دولت اسلامی که ایشان معتقد هستند، اکنون ما در این مرحله هستیم. مرحله چهارم و پنجم عبارت است از جامعه اسلامی و تمدن نوین اسلامی. در این قسمت بر آنیم که نقش عدالت اجتماعی در تحقق تمدن نوین اسلامی را روشن کنیم.

یکی از عوامل ایجاد تمدن نوین اسلامی عدالت محوری می باشد :

ایمان عمیق قلبی و عملی به اصل عدالت و گام سپردن در شاهراه دادگری در میدان های گوناگون زندگی، از اساسی ترین علل رشد و تکامل جوامع و پیدایش و شکوفایی تمدن ها است. به همین دلیل، قرآن موضوع حیاتی عدالت و دادگری را طرح نموده و برای تحقق همه جانبه و و برای تحقق همه جانبه و حقیقی آن در زندگی جوامع، تمدن ها و نظام ها، سخت می کوشد و در رابطه با ظلم و ستم، انحراف، استبداد فتنه، تباهی و دین گریزی، سخت هشدار می دهد.

در اسلام، اصل عدالت در نظام آفرینش و جهان بینی، نظام حقوقی و وضع قوانین زندگی، اجرای سیاست و مدیریت جهان داری و نیز در سیستم اخلاقی و منش انسانی تعریف شده است.^{۳۷} و بسان روحی بر کالبد جوامع و تمدن هاست، به طوری که می توان گفت عدالت باعث قوام، دوام، اقتدار و پیروزی جامعه و تمدن است. در میان اقوام جاهلی که از تمدن به دور بوده اند، افتخار به انساب و قبائل، رایج ترین افتخار موهوم بود، تا آنجا که هر قبیله ای خود را قبیله برتر و هر نژادی خود را نژاد برتر می شمرد.

قرآن در محیطی ظهور کرد که ارزش قبیله از همه ارزش ها مهم تر محسوب می شد، اما این بت ساختگی در هم شکست و انسان را از اسارت خود و قبیله و رنگ و نژاد و مال و مقام و ثروت آزاد ساخت و او را برای یافتن خویش، به درون جان و صفات والایش رهبری کرد. بنابراین، با ظهور اسلام و تمدن اسلامی میزان واقعی ارزش های انسانی در برابر ارزش های کاذب و دروغین مشخص شد.^{۳۸} مقام معظم رهبری درباره عدالت در نظام اسلامی می فرماید: (فوری ترین هدف تشکیل نظام اسلامی، استقرار عدالت اجتماعی و قسط اسلامی است. قیام پیامبران خدا و نزول کتاب و میزان الهی برای همین بود که مردم از فشار ظلم و تبعیض و تحمیل نجات یافته، در سایه ی قسط و عدل زندگی کنند و در پرتو آن نظام عادلانه به کمالات انسانی نائل آیند. دعوت به نظام اسلامی، منتهای اعتقادی راسخ و عملی پی گیر در راه عدالت اجتماعی، دعوتی ناقص، بلکه غلط و دروغ است و هر نظامی هر چند با ارایش اسلامی، اگر تامین قسط و عدل و نجات ضعفا و محرومین، در سر لوحه ی برنامه های آن نباشد غیر اسلامی و منافقانه است. (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۷/۰۷/۱۴).

از این جهت در حوزه وسیع تمدن اسلامی، اقوام و ملل مختلف نظیر عرب، ایرانی، ترک، هند، چینی، مغولی، آفرقایی و حتی ذمیان زندگی می کردند. در واقع وعده های عدالت و برابری و برادری که در اولین پیام های مسلمانان در فتوحات سر داده شد، چنان جذابیتی داشت که بسیاری از مردم نواحی مختلف نه تنها جذب اسلام شده، بلکه در گسترش فکری، فرهنگی و پیشرفت تمدنی سهم به سزایی داشتند. در نتیجه از مهم ترین پایه های تمدن اسلامی، عدالت و دادگری است که در جای جای قرآن کریم با دو تعبیر قسط و عدل از آن سخن به میان آمده است و برای ایجاد تمدن نوین اسلامی به آن احتیاج داریم. تاکنون به طور مختصر با تمدن نوین اسلامی آشنا شدید شایسته است، برای آشنایی بیشتر برخی از ویژگی های آن را بدانید.

^{۳۷} کرمی فریدونی، ۱۳۸۵:۴۱۹

^{۳۸} مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ج ۲۲ ص ۱۹۸

ویژگی های اصلی تمدن نوین اسلامی

1- تمدن نوین اسلامی، تمدنی دین بنیاد و حق گراست. اگر حقیقت اسلام را از این تمدن بگیریم، این تمدن پوچ خواهد بود. 2- این تمدن، عدالت رکن است. در واقع، عدالت و ظلم ستیزی، ستون اصلی تمدن نوین اسلامی است. 3- تمدن نوین اسلامی، امام محور است؛ یعنی در چنین تمدنی امام معصوم (علیه السلام)، در غیاب امام معصوم (علیه السلام)، ولی فقیه، ارائه طریق و ایصال به مطلوب را بر عهده دارد و اصولاً تحقق دین و عدالت، در گرو وجود امامت است. 4- این تمدن آزادی زا است. به بیان دیگر، به بسط و تعمیق آزادی حقیقی کمک می کند و با استبداد و خودکامگی در تعارض است. 5- تمدن نوین اسلامی، مردم نهاد است و نه حکومت نهاد. البته دولت اسلامی، فراتر از نخبگان، آحاد مردم از نقشی هوشمند بر خوردارند. 6- این تمدن فرآیندی تدریجی است و نه پروژه ای و دفعی.

7- تمدن نوین اسلامی، علم گراست. چه علم به معنای معرفت چه علم به معنای ساینس. 8- این تمدن فقرستیز است، به این معنا که در صدد پیشگیری و ریشه کن کردن فقر در جامعه است. درحقیقت مواجهه تمدن نوین اسلامی با فقر، مواجهه درمانی نیست؛ بلکه مواجهه پیشگیرانه است. 9- تمدن نوین اسلامی، خلاق و نوآور است. منظور هم نوآوری در ادبیات، در روش، در ابزار، در فناوری و غیره. 10- این تمدن، طبیعت دوست است؛ یعنی ستیزی با طبیعت ندارد و طبیعت را قربانی فقرزدایی و رفاه جامعه نمی کند. 11- تمدن نوین اسلامی، تعالی خواه است؛ یعنی کمال جوست و کمال بشر را در اعتلای حقیقت و روح انسان جست و جو می کند. 12- این تمدن انسان ساز است؛ به این معنا که تمدن نوین اسلامی به دنبال شکوفا سازی جوهر وجودی انسان است و با جریان فسخ انسان در تمدن غرب در تعارض است. بنابراین این تمدن به دنبال پرورش انسان های متعالی است و اگر بگوییم هدف اصلی تمدن نوین اسلامی همین است؛ سخن غیر دقیقی نگفته ایم.

13- تمدن نوین اسلامی، گسترش یابنده و جهانی است و عامل این گسترش، نه زور است و نه اقتصاد، بلکه عقل فطری و جذابیت های منحصر بفرد اسلام است. 14- این تمدن، آرامش بخش است؛ یعنی آلام بشری را کاهش می دهد و به بسط و تعمیق صلح پایدار کمک می کند. با توجه به ویژگی های نامبرده به این نتیجه می رسیم که عمده ویژگی های تمدن نوین اسلامی در رابطه با عدالت و مقابله با ظلم می باشد.

مهم‌ترین امر در تمدن اسلامی

عدالت اجتماعی مهم‌ترین رکن تمدن نوین اسلامی است. به بیان دیگر، اگر قرار باشد وجه تمایز تمدن نوین اسلامی با سایر تمدن‌ها را بیان کنیم؛ بدون شک این وجه تمایز، تعریف مترقی اسلام از عدالت اجتماعی و مهم‌تر از آن، میزان سرمایه‌گذاری بر روی آن خواهد بود. با این حال، عدالت اجتماعی با نظر محقق نمی‌شود و بیشتر از هر چیز نیازمند مکانیزم‌های عملی دقیق است. شاید بعضی‌ها تصور کنند ما در زمینه‌ی عدالت ضعیف هستیم اما با مطالعات، فهمیده می‌شود؛ هرچند عدالت آن‌طور که باید تقویت نشده و خیلی از فروعات آن روشن نیست؛ لکن مساله‌ی اصلی ما در عدالت، عدم مقاومت کافی در برابر ناپردباری‌ها و فشارهایی است که بخشی از جامعه خصوصاً ثروتمندان بی‌تعهد - در برابر تحقق عدالت اجتماعی از خودشان نشان می‌دهند.

آنچه مسلم است تا جامعه اسلامی تمرین کافی برای تحقق عدالت نداشته باشد و تا وقتی سازمان عدالت در جامعه شکل نگرفته باشد؛ امید بستن به تحقق تمدن نوین اسلامی محل تامل است. به این دلیل که عدالت یکی از اصول دین است و یکی از شاخصه‌های عمده تمدن اسلامی است. قرآن به عدالت ورزی امر می‌کند: ((یا ایها الذین آمنوا کونوا قوامین بالقسط)³⁹ در جایی دیگر غایت ارسال پیامبران را اقامه‌ی عدل معرفی می‌کند: مثل سوره حدید که در مباحث قبلی بیان کردم در این آیه عدالت را وصف کل مردم آورده است که خود دلیل اهمیت بسیار حضور روح عدالت ورزی در تمدن اسلامی است.

در تاریخ یکی از عوامل زوال تمدن‌ها، ظلم بوده است؛ که نقطه مقابل عدالت است. براین اساس، در اندیشه مقام معظم رهبری زوال تمدن‌ها معلول انحراف هاست و تمدن‌ها بعد از آنکه به اوج می‌رسند؛ به دلیل ضعف‌ها و خلا‌ها و انحراف‌های خود رو به انحطاط می‌روند و اکنون نشانه این انحطاط در تمدن غربی قابل مشاهده است. به طوری که تمدن علم بدون اخلاق، مادیات بدون معنویات و دین و قدرت بدون عدالت است. معظم له در جایی دیگر از عدالت اجتماعی به عنوان یکی از مهم‌ترین و اصلی‌ترین خطوط در مکتب سیاسی امام یاد می‌کند و معتقدند که باید عدالت اجتماعی و پرکردن شکاف‌های طبقاتی در همه برنامه‌های حکومت، در قانون‌گذاری، در اجراء، در قضا مورد نظر و هدف باشد. به اعتقاد ایشان اگر ما بگوییم کشور را ثروتمند می‌کنیم؛ اما ثروت‌ها در گوشه‌ای به نفع یک عده انبار شود و عده کثیری از مردم نیز دست‌شان خالی باشد با مکتب سیاسی امام نمی‌سازد.

پرکردن شکاف اقتصادی در بین مردم و رفع تبعیض در استفاده از منابع گوناگون ملی در میان طبقات مردم مهم ترین و سخت ترین مسئولیت است و همه برنامه ریزان، قانون گذاران، مجریان و همه کسانی که در دستگاه های گوناگون مشغول کار هستند؛ باید این موضوع را قابل توجه قرار دهند و یکی از مهم ترین شاخص های حرکت خود به حساب آورند. ایشان در تبیین سیاست های اقتصادی مقاومتی درباره عدالت اجتماعی می فرمایند: از همه این شاخص ها مهم تر شاخص کلید و مهم عدالت اجتماعی است. یعنی ما رونق اقتصادی کشور را بدون تامین عدالت اجتماعی به هیچ وجه قبول نداریم و معتقد به آن نیستیم. کشوری که رشد اقتصادی خوبی دارد و تبعیض، اختلاف طبقاتی و نبود عدالت در آن محسوس است؛ به هیچ وجه منطبق با خواست و اهداف جمهوری اسلامی نیست. بنابراین، باید طبقات محروم از پیشرفت اقتصادی کشور، بهره مند شوند. (بیانات مقام معظم رهبری، 1379/07/14)

باتوجه به سخن مقام معظم رهبری که گذشت؛ اسلام علاوه بر بیان کلی عدالت اجتماعی و رفع ظلم و تلاش برای دستیابی بدون تبعیض همگان به ثروت اجتماعی، موضوعات خاصی را مورد توجه قرار داده است و ضمن تعیین حقوق خاص برای برخی از گروه های اجتماعی اجرای عدالت در حق آنان را مورد تاکید قرار داده و حتی به مصادیقی نیز اشاره کرده است؛ در این قسمت برخی از آنها را بررسی می کنیم :

1- عدالت کارگزاران، در حکومت اسلامی

در نظام اجتماعی، وجود قوانین درست و عادلانه برای ایجاد عدالت اجتماعی کافی نیست بلکه شرط مهم و اساسی برای تحقق آن عدالت مجریان و کارگزاران جامعه است؛ به عبارت دیگر هر قدر قوانینی که تنظیم کننده ی روابط و مناسبات اجتماعی است، عادلانه باشد و کارگزاران و حاکمان جامعه از توانایی و تخصص بالایی در اداره امور اجتماعی برخوردار باشند، اما به صفت انسانی عدالت متصف نباشند؛ در اجرای آن ناکام خواهند بود. چنین کسانی اگر از صفت عدالت به دور باشند زمینه برهم زدن روابط عادلانه را بیش از دیگران دارند و نه تنها از اجرای قوانین عادلانه سرباز میزند؛ بلکه از همان قوانین برای منافع شخصی و گروهی خود استفاده می کنند. بنابراین مشکل، ندانستن معنا و یا پی نبردن به اهمیت عدالت اجتماعی نیست بلکه مشکل در عدم پایبندی به آن، در مقام عمل است .

اسلام با توجه به این خلا بهترین مکانیسم را برای تحقق عدالت اجتماعی و اجرای درست قوانین اجتماعی وضع نموده است و آن، شرط عدالت برای تصدی موقعیت های اجتماعی است. البته دارا بودن این صفت برای برخی مشاغل، به عنوان اولویت مطرح است و برای برخی سمت ها لازم شمرده شده؛ به گونه ای که مشروعیت

تصدی آن مقام به داشتن همین ویژگی است. به عنوان نمونه عدالت برای حاکم اسلامی، قاضی، امام جمعه و جماعت ... در جامعه ای که مجریان شایسته و کسانی که بر اساسی لیاقت و عدالت برای اجرای قوانین انتخاب شوند متخلفان و کجروان اجتماعی از ترس عدالت به حقوق دیگران احترام میگذارند و در نتیجه امکان تحقق عدالت اجتماعی فراهم می گردد.

2- عدالت در حقوق زنان

از جمله نابرابری هایی که در عصر جاهلی برای زنان شیوع فراوانی داشت؛ عبارت بود از اینکه از هرگونه حقوق اجتماعی و فردی، حتی از حق ارث محروم بود و در ردیف حیوانات قرار داشتند. زنان آن دوره حتی از گرفتن مهریه خود نیز محروم بودند و مهریه آنان به پدران یا برادران آنان تعلق داشت. اسلام که این حق و عدل است؛ در مقابل این نظام نابرابر ایستاده و نگاه تبعیض آمیز نسبت به زنان را تغییر داد و شان و منزلت اجتماعی آنان را بالا برد اسلام به خلقت یکسان زن و مرد اشاره کرده است: (ای مردم از مخالفت پروردگارتان بپرهیزید همان کسی که همه ی شما را از یک انسان آفرید و همسرا را نیز از جنس او خلق کرد و از آن دو، مردان و زنان فراوانی منتشر ساخت).⁴⁰ اسلام برای مبارزه با سنت غلط جاهلی حقوقی متناسب برای زن وضع نمود. به عنوان نمونه، موضوع ارث را در ضمن چند آیه با حساسیت بیان نمود (للذکر مثل حظ الانثیین) همچنین مردان را به شدت از کوتاهی در پرداخت مهریه زنان منع نمود و اذیت و آزار زن را برای بازپس گیری مهریه ممنوع کرد.⁴¹

3- عدالت در قضاوت

در اجتماع انسانی کم و بیش نزاع و کشمکش پدید می آید؛ چه بسا افرادی که به حق خود قانع نبوده و به خاطر زیاده خواهی و ترجیح منافع شخصی حقوق دیگران را مورد تعرض قرار می دهند؛ اینجاست که موضوع دادگاه و حکم قاضی مطرح می شود. بدون تردید، دادرسی صحیح و اجرای قوانین حقوقی و کیفری نقش مهمی در ثبات جامعه خواهد داشت. نکته اساسی در فرآیند دادرسی، مقوله عدالت است و اساساً فلسفه وجودی دادگاه و قاضی اجرای عدالت است. اسلام با حساسیت و ظرافت ویژه ای به مقوله قضاوت توجه کرده و در این راستا رعایت عدالت را به نحو عجیبی مورد تاکید قرار داده است و همه کسانی را که در مساله داوری دخالت دارند به التزام به عدالت فرا می خواند.

⁴⁰ نسا: 1

⁴¹ مرتضی مطهری، نظام حقوق زن در اسلام، ص 192، با تصرف و تلخیص

از نگاه دین، آنچه به رای و نظر قضایی مشوعیت می بخشد عدالت اوست و اساساً فردی که حرف عدالت است، شایستگی قرار گرفتن در جایگاه قضاوت را ندارد و رای و حکم صادره از سوی او، از نگاه شرع اعتباری ندارد. قرآن کریم در آیات مختلف انسان‌ها را به عدالت در داوری دعوت نموده و از صدور رای غیر عادلانه به شدت منع می‌کند.^{۴۲} اهمیت مقوله عدالت برای قضای به حدی است که اسلام، او را به التزام به آن، حتی در نگاه به طرفین دعوی مکلف می‌نماید.^{۴۳}

بی‌شک پایه‌گذاری، تکوین و گسترش تمدن‌ها در پرتو تلاش مستمر انسان‌ها و انجام وظایف فردی و اجتماعی آنها در سایه‌ی عدالت میسر است و یکی از شاخصه‌های بارز ایجاد و بقا تمدن‌ها عدالت اجتماعی است. طبق منابع اسلامی، مصادیقی برای اجرای عدالت اجتماعی بیان کردیم: از جمله عدالت در قضاوت کارگزاران حکومت اسلامی و حقوق زنان که در تمامی آن‌ها رعایت عدالت موجب تعادل در اجتماع می‌گردد و نتیجه تعادل و رعایت حقوق تشکیل عدالت اجتماعی است. به بیان دقیق‌تر، جامعه‌ای که در آن حقوق افراد با رعایت عدالت انجام می‌شود و از هر گونه تبعیض جلوگیری شود تعادل در آن جامعه برقرار است. با توجه به مطالبی که گذشت؛ تحقق تمدن نوین اسلامی نیازمند عدالت اجتماعی است، بخاطر اینکه ثمره‌ی عدالت اجتماعی تحقق چنین تمدنی است.

⁴² نسا: 58

⁴³ تبیان، دفتر 22، ص 164

نتیجه گیری:

عدالت به عنوان یک اصل فطری در نظام تکوین و تشریح نهاده شده است و طبق بیان امیر المومنین (علیه السلام) قرار دادن هر چیزی در جای خود است. این مفهوم که در جان آدمی ریشه دارد در زندگی اجتماعی نیز به اندازه ای با اهمیت است که خداوند به آن دستور داده است به گونه ای که هدف از فرستادن انبیا و اولیا، همه برای دستیابی به این امر بوده است؛ بنابر این در صورتی که زوایا و مصادیق حقیقی این مساله روشن شود؛ جامعه به سوی کمال و سعادت رهنمون می شود.

تحقق این مسئله مهم در اجتماع زمینه ایجاد عدالت اجتماعی را فراهم می آورد و کمال و سعادت یک جامعه اسلامی، بنابر بیانات رهبر معظم انقلاب، تحقق تمدن نوین اسلامی است که ایجاد چنین تمدنی وابسته به همان عدالت اجتماعی است. این نوشتار کوشیده تا نقش عدالت اجتماعی در تحقق تمدن نوین اسلامی را بازگو کند. آن شالیه که همه ی انسان ها با رعایت عدالت فردی و اجتماعی زمینه تحقق تمدن اسلامی را فراهم کنند و به زودی زود از پس تمدن نوین اسلامی، حکومت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) که همراه شعار عدالت خواهی است؛ محقق شود.

فهرست منابع:

- 1- قرآن الکریم.
- 2- نهج البلاغه، سید رضی.
- 3- ابن خلدون، عبدالرحمن (1359). مقدمه ی ابن خلدون، ترجمه محمد پروین گنابادی. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- 4- جوادی آملی، عبدالله، ولایت فقیه، ولایت فقاہت و امامت، قم، دفتر فرهنگی رجاء، 1368.
- 5- جان احمدی، فاطمه (1386). تاریخ و فرهنگ تمدن اسلامی، قم، دفتر نشر معارف.
- 6- دہخدا، علی اکبر (1373). لغت نامه. تهران: دانشگاه تهران.
- 7- دورانت، ویل (1365). تاریخ تمدن، ترجمه احمد آرام، پاشایی و امیر حسین آیانپور. تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- 8- درآمدی بر حقوق اسلامی، دفتر همکاری حوزه و دانشگاه.
- 9- سید قطب، عدالت اجتماعی در اسلام، چاپخانه سوره: کلبه شروق.
- 10- طباطبایی، محمد حسین، المیزان.
- 11- فیروز آبادی، قاموس الغه، عدالت اجتماعی.
- 12- زین العابدین اسلامی، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی.
- 13- مصطفوی، حسن (1360). التحقیق فی الکلمات القرآن الکریم. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- 14- موسوی، سید جمال الدین، عدالت اجتماعی در اسلام.
- 15- مجلسی، محمدباقر، بحار النوار، بیروت: موسسه الوفا.
- 16- مطهری، مرتضی، (1369). عدل الہی، مجموعه آثار، انتشارات صدقی.
- 17- مطهری، مرتضی، مقدمه ای بر جهان بینی اسلامی.
- 18- مطهری، مرتضی، نظام حقوق زن در اسلام، با تصرف و تلخیص.

19- مکارم شیرازی، ناصر (1390)، تفسیر نمونه، (چاپ اول)، تهران: دارالکتاب الاسلامیه.